



سلسله التواریخ یا اخبارالصین والهند

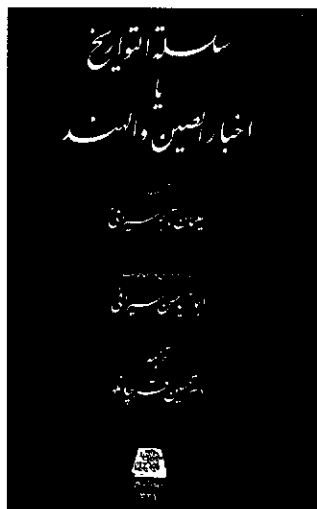
• سیدمحمدجعفر میرجلیلی

که مطالب آموزنده و گهگاه باورنکردنی از رسوم، احوال و عادات طوایف چین، هند و بخشی از مناطق آسیای جنوب شرقی و دانستنی‌های فراوانی از چینی‌ها، هندی‌ها و ایرانیان مقیم این دو کشور ارائه می‌دهد. این کتاب منبع خوبی برای بررسی روابط ایران، چین و هند در قرن چهارم هجری است.^۲ از مطالب آن می‌توان به بیان دلایل رشد و رونق و افول روابط تجاری میان ایران، هند، چین و برخی از مناطق آسیای جنوب شرقی، نحوه گذران زندگی ایرانیان مقیم آن عصر در هند و چین و روابط دوستانه و احترام متقابل ایرانیان و حکمرانان کشورهای مقیم را دریافت.^۴

کتاب سلسله التواریخ اطلاعات جغرافیایی، اقتصادی و اجتماعی مفیدی از هند و چین در سده چهارم هجری دربردارد و گزارشی از سفرهای دریایی سده سوم و چهارم است. در این عصر رابطه بازرگانی میان بندر سیراف و بصره با هند و چین موجب گشودن راه تاجران عمده و رونق داد و ستد و تجارت در این منطقه شد. لذا اهمیت کتاب در بررسی تاریخ بازرگانی و تجارت دریایی سده مورد بحث کاملاً مشخص است. سیراف عمده‌ترین بندر این دوره بود که کالاها با کشتی‌های کوچک از سایر بنادر جهت ارسال به چین به این بندر فرستاده می‌شد.^۵ در این کتاب از ارسال کالاها از سیراف به مقصد چین^۶ و مسافرت بازرگانان سیراف به جده در دریای احمر و سواحل زنگبار سخن به میان رفته است. این کتاب نمونه و الگویی برای جغرافی دانان و دریانوردان قرن‌های بعد بوده و اثر آن را در سلسله آثار دریایی و دریانوردی نباید نادیده گرفت.^۷

مؤلف کتاب

مؤلف کتاب، سلیمان سیرافی، بازرگان ایرانی و از اهالی



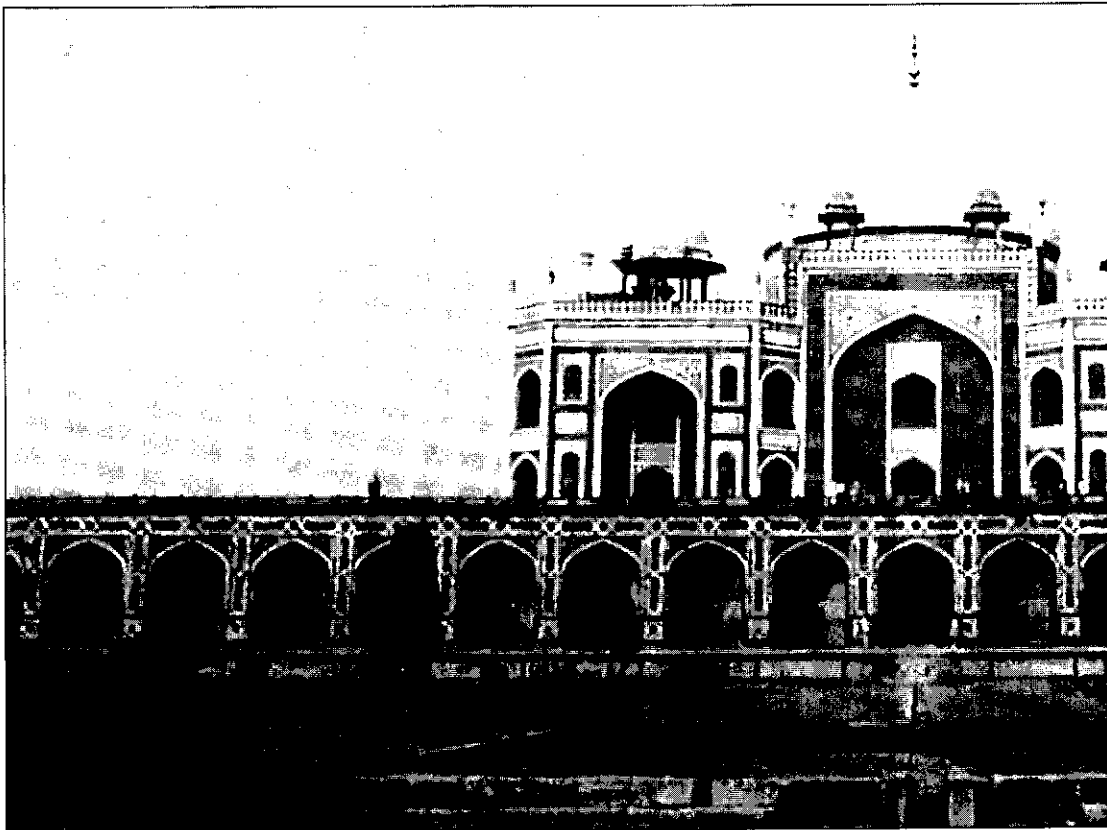
• سلسله التواریخ یا اخبارالصین والهند
• تألیف: سلیمان تاجر سیرافی
• گردآوری و اضافات: ابوزید حسن سیرافی
• مترجم: حسین قرچانلو
• ناشر: انتشارات اساطیر یا همکاری مرکز
بین‌المللی گفت‌وگوی تمدن‌ها، تهران،
۱۳۸۱، ۱۸۸ص.

سلسله التواریخ یا اخبارالصین والهند شرح سفر دریایی سلیمان تاجر سیرافی^۱ در سده چهارم هجری^۲ است. سلیمان از جمله بازرگانانی بود که در حین تجارت گاهی به احوال و عادات طوایف مختلف علاقه‌مند می‌شد و آن را به رشته تحریر در می‌آورد. ابوزید حسن سیرافی این کتاب را گردآوری و اضافاتی را بر آن افزوده است.

کتاب سلسله التواریخ حاوی دو بخش است؛ بخش اول که از آن به کتاب اول یاد شده است، تألیف سلیمان تاجر و بخش دوم را ابوزید سیرافی بر بخش اول افزوده است. این کتاب گزارش گونه‌ای از عجایب جهان باستان است

دہلی، مقبرہ ہمایون، ۷۱-۱۵۶۲ء
عکس (۱۹۸۹)

کتاب «سلسله التواریخ» شامل جنبہ‌های مختلف حیات اجتماعی، وضع پوشاک، مصارف غذایی، مراسم مذهبی، قضاوت، معاملات، آموزش و پرورش، مراسم ازدواج، مسائل حقوقی و مالی، معرفی مناطق جغرافیایی و جغرافیای طبیعی، به ویژه راه‌های بازرگانی، دریاها، افسانہ‌های رایج آن عصر، خط سیرکشتی‌های بازرگانی چین در دریای هند، زندگی پادشاهان و برخی مسائل سیاسی و شورش‌ها است.



پس از فهرست مطالب در هفت صفحه، پیشگفتار مترجم در عین اختصار و ایجاز با فصاحت و بلاغت تمام در سه صفحه به رشته تحریر در آمده است. نویسنده ضمن معرفی ابوزید و سلیمان سیرافی به نسخه‌های خطی کتاب نیز اشاره می‌کند. مقدمه مترجم که شرح مختصری از دریانوردی مسلمانان به منظور اکتشافات جغرافیایی و توسعه تجارت و بازرگانی است در هجده صفحه تدوین شده است و حاوی اطلاعات بسیار مهم تاریخی و علمی است که مترجم در تدوین آن از منابعی چون جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی، علم جغرافیا و تطورات آن در جهان اسلام، مختصر کتاب البلدان، خدمات مسلمانان به جغرافیا، جهانگردان مسلمان در قرون وسطی، دریانوردی عرب در دریای هند، تاریخ دولت اسلامی در اندلس، تاریخ الادب الجغرافی، المسالک والممالک، العبر، احسن التقاسیم، التنبیه والاشراف، مروج الذهب، اخبارالزمان، عجایب الهند، دریانوردی ایرانیان بهره گرفته است.

پس از پیشگفتار و مقدمه مترجم، ترجمه متن اصلی کتاب بانام خدا شروع می‌شود. این کتاب شامل جنبه‌های مختلف حیات اجتماعی، وضع پوشاک، مصارف غذایی، مراسم مذهبی، قضاوت، معاملات، آموزش و پرورش، مراسم ازدواج، مسائل حقوقی و مالی، معرفی مناطق جغرافیایی و جغرافیای طبیعی به ویژه راه‌های بازرگانی، دریاها، افسانہ‌های رایج آن عصر، خطاسیر کشتی‌های بازرگانی چین در دریای هند، زندگی پادشاهان و برخی مسائل سیاسی و شورش‌ها است. مؤلف ضمن معرفی کتابش می‌نویسد: «کتابی است که در آن تواریخ سرزمین‌ها یا (شهرها) و دریاها و گونه‌های ماهیان آمده است. در این کتاب، دانش نجوم و شگفتی‌های جهان و اندازه شهرها و آبادی هر یک از آن شهرها و درندگان (حیوانات وحشی) و

بندر سیراف، رهنامه‌نویسی بود که خاطرات سفر خود را به چین و هند (در سال ۸۵۱ میلادی / ۲۳۷ هجری) در مجموعه‌ای که بعدها به اخبارالصین والهند معروف شد به زبان عربی به رشته تحریر در آورد.^۸ سلیمان در سده سوم هجری می‌زیست و خاطرات و عجایب سفرش را درباره راه دریایی از سیراف به خانفوا (بندر کانتون) و رسوم هندی‌ها و چینی‌ها در کتاب الصین والهند گرد آورد. از تألیفات دیگر وی اطلاعی در دست نیست و نمی‌دانیم آیا تألیفاتی داشته است یا خیر؟

گردآورنده

گردآورنده این اثر ابوزید حسن بن یزید سیرافی عموزاده مزیدبن محمدبن ابر دین بُستاشه، فرمانروای سیراف است.^۹ ازخاندان و دوران زندگی وی اطلاع چندانی در دست نیست. آغاز زندگی او در زادگاهش سیراف بود و در سال ۳۳۰ هجری از آنجا به بصره مهاجرت نمود.^{۱۰} وی از دلبستگان به قصه‌ها و افسانہ‌های دریایی بود که در آن روزگار جمع‌آوری مقدار فراوانی از آنها چه در سیراف، زادگاه او و چه در بصره که گزیده بود، دشوار نبود. ابوزید چندی بعد از سلیمان،^{۱۱} سفرنامه او را خواند و اطلاعات فراوانی را که درباره چین از ابن وهب قریشی گرفته بود، بر آن افزود.^{۱۲} وی همچنین بخشی از اخبار خود را طی ملاقات با مسعودی؛ مورخ نامی گرفته است.^{۱۳} ابوزید نام اخبارالصین والهند را پس از اضافه کردن مطالب ابن وهب بر نوشته‌های سلیمان بر این کتاب افزود.^{۱۴} او از طرف یکی از امرا مأمور بود تا کتاب سلیمان را بازبینی و بخشی را بر آن بیافزاید.^{۱۵}

معرفی کتاب



سیراف عمده‌ترین بندر قرون اولیه اسلامی بود که کالاها با کشتی‌های کوچک از سایر بنادر جهت ارسال به چین به این بندر فرستاده می‌شد. در کتاب «سلسله‌التواریخ» از ارسال کالاها از سیراف به مقصد چین و مسافرت بازرگانان سیراف به جده در دریای احمر و سواحل زنگبار سخن رفته است

کتاب «سلسله‌التواریخ» اطلاعات جغرافیایی، اقتصادی و اجتماعی مفیدی از چین و هند در سده چهارم هجری در بر دارد و گزارشی از سفرهای دریایی سده سوم و چهارم است

شگفتی‌های هر یک و مطالبی غیر از آن» آمده است.^{۱۷} در ادامه نویسنده تصریح دارد که در کتاب‌عجایی چون، دریای یاجوج و مأجوج، کوه قاف، سرزمین سرن‌دیب و ابوحیث مردی که ۲۵۰ سال عمر کرد، ماهی که باله‌هایش مانند بادبان کشتی بود و...» را آورده است.

همانطور که اشاره شد، کتاب از دو قسمت تشکیل شده است: سرفصل‌های کتاب اول به شرح زیر است:

دریای یاجوج و مأجوج، انواع ماهیان دریای یاجوج و مأجوج، خلیج فارس و شهرهای اطراف آن، بحرین و جزایر خلیج فارس، دریا‌های منشعب از دریای هند، زنی که شاه دریای هرکند است، سرن‌دیب و محل فرود آمدن آدم (ع)، معادن یاقوت در سرن‌دیب، شهر فنصور معدن کافور، رامنی جزیره فیلان و آدمخواران، جزیره برهنه‌گان، جزیره آدمخواران، کوه‌های نقره در دریای هرکند، طوفان‌های شدید دریای هند، ماهی آدم‌خوار، آتش‌سوزی در بندر بزرگ چین، مسلمانی که به قضاوت انتخاب شد، خط سیر کشتی‌های بازرگانی چین در هند، شراب نارگیل، مملکت زابج، حرکت به سوی هندوچین، آنام و کوشین شین، دریای چین، بندر خانفوا، جبل النار در زابج، پوشاک مردم چین، میوه‌جات چین، اخبار سرزمین و پادشاهان هندوچین، وصف شاهان هند، بزرگترین آنان بلهرا، شاه گجرا، پادشاهی طافن، پادشاهی رهمی، اوصاف پادشاهی رهمی، اوصاف پادشاهی کاشین، سکه رایج چینیان، حنوط کردن مردگان در چین، درجات شاهان سرزمین چین، قضاوت در چین، اجازه

سفر در چین، معاملات و داد و ستد در چین، درمان بیماران در چین، مالیات سرانه در چین، آموزش و پرورش در چین، شکل و شمایل چینیان، مجازات و رشکستگان در هند، تشریفات که بعد از مرگ پادشاه برگزار می‌شود، تشریفات که بعد از مرگ پادشاه در سرن‌دیب برگزار می‌شود، جوکیان، خاندان پادشاهی هند، منع شراب در هند، نزاع بر سر پادشاهی در هند، رفتار با ستمگران در هند، مراسم ازدواج در هندوچین، کیفر زناکاران و دزدان در هندوچین، بناسازی در هندوچین، آئین و مذهب چینیه‌ها، ریش و سبیل مردم هندوچین، دادگستری در چین و هند، بتان سخنگو در چین و هند، طهارت و پاکیزگی در نزد چینیان و هندیان، علوم در نزد چینیان و هندیان، سپاهیان در هندوچین، جغرافیای طبیعی در چین و هند، سرزمین ترکان (تغرغر).

منبع اطلاعات سلیمان را مشاهدات شخصی،^{۱۸} مسموعات و روایات «اشخاص مورد اعتماد»^{۱۹} و «کسانی که او آنها را متهم به دروغ‌گویی نمی‌کرد»^{۲۰} و مطالبی که در بین مردم رایج بود تشکیل می‌داد.^{۲۱} گاهی نیز مطالبش را از کتب دیگر^{۲۲} نقل می‌کرد. بیشتر مطالب او از اوضاع اجتماعی و جغرافیایی هندوچین خبر می‌دهد. ابوزید سیرافی کتاب دوم را گردآوری نموده است. او مأمور بود تا به تأمل در کتاب اول بپردازد و تکمله‌ای را به اندازه آگاهی و آشنایی خود^{۲۳} بر آن بیفزاید. ابوزید «در حد اطلاعات شخصی‌اش و نه بیشتر»، کتاب دوم را جمع‌آوری و به «شرح علل»^{۲۴} می‌پردازد. وی قبل از طرح شورش چین و دگرگونی اوضاع آن می‌نویسد: در این جابه «شرح علل» آن تا آن جا که می‌دانم، اگر خدا بخواهد می‌پردازم.^{۲۵} ابوزید در این کتاب اوضاع اجتماعی و فرهنگ عمومی را با زبانی ساده و قابل فهم مطرح می‌کند. سرفصل‌های کتاب دوم به شرح زیر است:

اخبار چین و هند، تغذیه مردگان در چین، شورش در چین و دگرگونی اوضاع آنجا، سقوط بندر خانفوا به دست خوانگ چائو، دفع شورش یاغیان و آرامش مجدد چین، اوضاع نابسامان چین بعد از شورش، بازرگانان بیگانه مورد ستم واقع شدند، مجازات عجیب زناکاران، اجازه‌نامه برای زنان بدکاره، سکه مس برتر از سکه طلا، نوع ساختمان‌های چینی، مأموران جمع‌آوری خراج در چین، ورود فرمانروایان به شهر خانفوا، پوشاک چینیان از بهترین حریر، مهارت چینیان در صنایع ظریفه، داستان خوشه گندم و گنجشک، رفتن ابن‌وهب به چین، گفت‌وگوی ابن‌وهب با پادشاه چین، پادشاهان بزرگ جهان به گفته شاه چین، گفت‌وگوی ابن‌وهب با پادشاه چین درباره اوصاف پیامبر اکرم (ص)، هدیه پادشاه چین به ابن‌وهب، وصف خمدان پایتخت چین از زبان ابن‌وهب، وصف بازارها در شهر خمدان، وصف دریای شام و تخته‌پاره‌های دریای هند، پیدا شدن عنبه در دریای شام، وصف شهر زابج، مهراج (مهراجه) شاه جاوه، جزیره کله مرکز فروش عود، کافور و صندل و عاج و قلع، فراوانی خروسان در سرزمین مهراجه، سرزمین قمار یا خمر، هوس شاه‌جوان، اعتقاد شاهان هندوچین به تناسخ ارواح، بازگشت به اخبار چین، نزاع بازرگانان خراسانی با یکی از خواجگان شاه چین، زنجیر عدالت در چین، داوری در حضور پادشاه چین، تعیین قاضی القضاة در چین، فاصله میان خراسان و چین، تهیه مشک تبتی، انواع مشک، برید در چین یک نکته بهداشتی، ازدواج در چین، بعضی از اخبار هند، خودسوزی در هند، طعام قبل از مرگ، مراسم خودسوزی در هند،



ظرف قلم‌کاری، سلسله سونگ، ارتفاع ۴۳ سانتی‌متر

مؤلف قسمت نخست کتاب «سلسله التوار یخ»، سلیمان سیرافی، بازرگان ایرانی و از اهالی بندر سیراف، رهنامه نویسی بود که خاطرات سفر خود را به سرزمین هند و چین (در سال ۸۵۱ میلادی / ۲۳۷ هجری) در مجموعه‌ای که بعدها به «اخبارالصین والهند» معروف شد به زبان عربی به رشته تحریر در آورده است



هند، ورینداوان، معبد مدن موهن که به سبک فاتح پورسیکری ساخته شده است. (عکس ۱۹۷۸ م)

منبع اطلاعات

سلیمان سیرافی را

مشاهدات شخصی و

روایات «اشخاص مورد

اعتماد» و «کسانی که او

آنها را متهم به

دروغگویی نمی‌کرد» و

مطالبی که در بین مردم

رایج بود، تشکیل می‌داد

و گاهی نیز مطالبش را از

کتاب دیگر نقل می‌کند

خودکشی عرفانی در هند، گروگان‌گیری عجیب در سرندیب، معادن گوهر در کوه‌های سرندیب، بت بزرگ، آزادی مذهب در سرندیب، شرط‌بندی بر سر خروسان، باران منبع نعمت در هندوستان است، برامه در هند، زنان زناکار بتخانه‌ها، بت شهرمولتان، عود کامرونی، استفاده از چوب و برگ درختان نارگیل، شگفتی‌های سرزمین زنگ، بینی حلقه‌داران، مسلمانی در سرزمین زنگ، گیاه صبر زرد در جزیره سقوطرا، سرزمین عرب در سمت راست هندوستان، دریای قلزم و بنادر آن، جمع آوری عنبر با شتر و قایق، خانه‌سازی با استخوان ماهی تال، بیان لؤلؤ، پیدایش مروارید، مرواریدی در گلوی روباه، شگفتی‌های دیگر سرزمین هند، مساحت برخی از سرزمین‌ها، شهر حلب، مسافت بلاد مجاور تا حلب.

بخشی از مطالب ابوزید که عنوان (مساحت برخی از سرزمین‌ها و مساحت بلاد مجاور تا حلب) را دارد، اطلاعات پراکنده‌ای است که وی از دیگران شنیده و به دلیل دانش کم خود این مطالب را بدون تحقیق و بررسی در کتابش ذکر کرده است. و به قول مترجم (احتمالاً از فهم آنها نیز عاجز بوده است) به همین جهت از خواندن آنها بهره‌چندانی عاید خواننده نمی‌شود.^{۲۶}

در ادامه، ضمام^{۲۷} و اوزان و مقیاس‌های به کار رفته (در چندسطر)^{۲۸} بر کتاب دوم افزوده شده است. ضمیمه اول وصف دریاها و ماهی‌هاست که در آن «پاره‌ای از ترتیبات دریاها متصل و منفصل» بیان شده است^{۲۹} و ضمیمه دوم: «پاره‌ای از اخبار مربوط به دریای حبشی و سرزمینهای پادشاهان و ترتیبات امور آنها و عجایب گوناگونشان است»^{۳۰}.

وی همچنین اضافات گابریل فراند فرانسوی را که کتاب را از روی متن ناقص عربی به فرانسه ترجمه کرده است در زیرنویس آورده است.

کتاب براساس نسخه کتاب‌شناس ترک، فؤاد سزگین ترجمه شده است و افزوده‌های گابریل فراند بر ترجمه چاپی کتابخانه پاریس (به زبان فرانسه) به صورت پاورقی در کتاب آمده است. مترجم همچنین منابع و مأخذ مورد استفاده کتاب و مأخذی را که از کتاب استفاده نموده‌اند در پاورقی آورده است.

ارزیابی و بررسی کتاب:

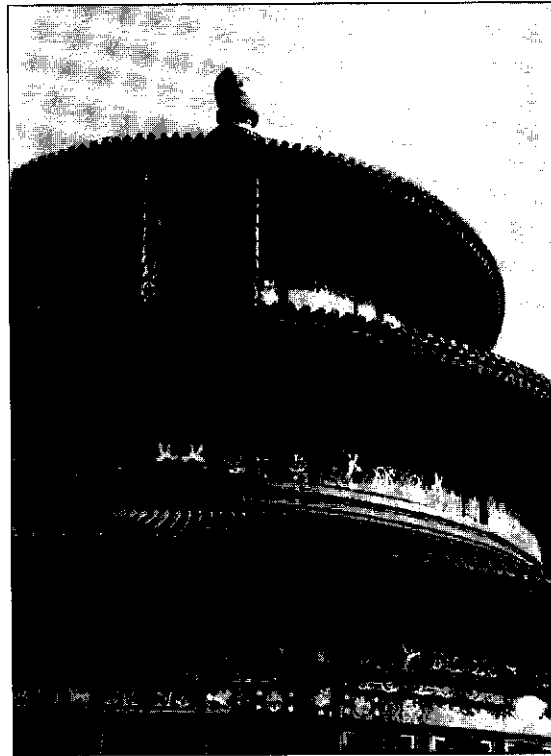
شیوه نگارش کتاب، موضوعی است و تنها به نقل اطلاعات و روایات اکتفا شده و در آن کمتر تجزیه و تحلیل و ابراز عقیده به چشم می‌خورد. همچنین نشانی از اینکه مؤلفان از منابع سلف خود استفاده کرده باشند به چشم نمی‌خورد. اما مسلم است که ابوزید و سلیمان هر دو از منابع مقدم بهره برده‌اند.

در پایان، مترجم فهرست منابع و مأخذ مورد استفاده، فهرست اعلام جغرافیایی^{۳۱}، و فهرست اشخاص، اقوام، قبایل و فرق را آورده است. سرانجام انواع سکه‌هایی که در متن کتاب آمده است و کتبی که نامشان در متن کتاب است می‌آید.

تصاویری چند این کتاب را زینت داده است که به درک مطالب کمک می‌کند. نقشه‌های به کار رفته در کتاب به خواننده در فهم بهتر جغرافیای تاریخی مناطق مختلف کمک می‌کند. در این کتاب گاهی مؤلف برای زینت دادن کلام، از آیات قرآنی بهره برده است. این کتاب با نثری روان و سلیس توسط آقای حسین قره‌چانلو از عربی به فارسی برگردانده شده است. مترجم تلفظ صحیح کلمات دشوار را به زبان انگلیسی در پاورقی آورده است و جهت تسهیل درک مطلب در خصوص برخی کلمات توضیحاتی را در پاورقی می‌آورد. مترجم برخی مطالب را با منابع مشابه از جمله فتوح البلدان، مرامد الاطلاع، اخبار الزمان، سرزمینهای خلافت شرقی نوشته لسترنج، تاریخ مسعودی و مختصر کتاب البلدان مقایسه و تطبیق داده است.

چین، معبد
چوبی زانوچینگ

بخشی از مطالب
ابوزید سیرافی که
عنوان مساحت برخی از
سرزمین‌ها و مساحت
بلاد مجاور تاحلب را
دارد، اطلاعات
پراکنده‌ای است که وی
آن را از دیگران شنیده و
به دلیل دانش کم خود،
این مطالب را بدون
تحقیق و بررسی در
کتابش ذکر کرده است



به عنوان نتیجه می‌توان گفت این کتاب در حقیقت جمع‌آوری افسانه‌هایی است که در بین مردم رایج بوده است و حرفه مؤلف، او را به سوی آن کشیده است. از محتوای کتاب برمی‌آید که سلیمان و ابوزید هیچ یک دانشمند نبوده‌اند و بیشتر مطالب، پراکنده و بدون تحقیق و بررسی و صرفاً مسموعات آنان است. راه و روش تدوین کتاب به صورت وقایع‌نگاری پراکنده و تابع الگوی خاصی نیست و سلیمان و ابوزید هر دو از تئوری پردازی به دور و جزئی‌نگر بوده‌اند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. سیراف یا بندر طاهری در ۲۵۰ کیلومتری جنوب شرقی بندر بوشهر در ساحل خلیج فارس قرار گرفته است. اصطخری در مورد سیراف می‌نویسد: «سیراف در قدیم شهری بزرگ بودی و آبادان و برنعمت و مشرع بوزنها و کشتی‌ها». (ابواسحاق ابراهیم اصطخری، مسالک و الممالک به اهتمام ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۷، صص ۳۶، ۱۳۴، ۱۰۰، ۱۱۹، ۱۱۳) و نگاه کنید به ابن بطوطه، سفرنامه، ترجمه محمدعلی موحد، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۷، ص ۲۷۳؛ حاج میرزا حسن حسینی فسایی، فارسنامه ناصری، ص ۳۱۶؛ جرج فدا، جورانی، دریانوردی عرب در دریای هند، ترجمه محمد مقدم، تهران: کتابخانه ابن‌سینا، ۱۳۳۸، ص ۹۴؛ سرآرتولد ویلسون، خلیج فارس، ترجمه محمد سعیدی، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶، ص ۶۲؛ غلامرضا معصومی، سیراف، چاپ دوم، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، نشر قطره، ۱۳۷۴، ص ۳.
۲. ابوزید حسن سیرافی، تاریخ تألیف کتاب را سال ۲۳۷ هجری می‌داند. ر. ک: به

- سلسله‌التواریخ، ص ۸۸.
- ۳- در این عصر رابطه بازرگانی میان بندر سیراف و بصره با هندوچین و تجارت مستقیم مسلمانان با این دو سرزمین راه ناجران عمده را به این سرزمین‌ها گشود.
 - ۴- سلسله‌التواریخ، صص ۵۶، ۹۰ - ۹۳ و مقایسه کنید با سلیمان و ابوزید سیرافی. شگفتی‌های جهان باستان، ترجمه محمدلوی عباسی، تهران: گوتنبرگ، ۱۳۳۵، صص ۱۲۵ - ۱۲۸؛ مسعودی، مروج الذهب: ج اول ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۴، ص ۱۲۶؛ غلامرضا معصومی، همان، ص ۲۶؛ ابودلف سفرنامه، ترجمه سید ابوالفضل طباطبایی تهران: فرهنگ ایران زمین، ص ۱۴ - ۱۵.
 - ۵- حاج میرزا حسن حسینی فسایی، همان، ص ۳۱۶؛ جوزانی، همان، ص ۹۴.
 - ۶- به دو شهر مسقط و کولم Quliom
 - ۷- سلسله‌التواریخ، مقدمه مترجم، ص ۲۴.
 - ۸- احمد اقتداری، خلیج فارس، تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۵۶، ص ۹۰.
 - ۹- بین سالهای ۸۷۷ - ۹۱۵ م می‌زیست.
 - ۱۰- سلسله‌التواریخ، مقدمه مترجم، ص ۱۳ و ر. ک به، مسعودی، همان، ج ۱، ص ۱۴۳، محمدحسن سمسار، جغرافیای تاریخی سیراف، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۵۷، صص ۲۱۹ - ۲۲۰.
 - ۱۱- سلسله‌التواریخ، ص ۱۳، به نقل از تاریخ الادب الجغرافی، ص ۱۱۵.
 - ۱۲- ۶۵ سال بعد از سلیمان، نگاه کنید به: سلسله‌التواریخ، پیش‌گفتار مترجم، ص ۱۴.
 - ۱۳- محمدحسن سمسار، همان، ص ۲۱۹.
 - ۱۴- سلسله‌التواریخ، پیش‌گفتار مترجم، ص ۱۵. محتمل است اخبار عربستان و مغرب را از مسعودی اخذ کرده باشد.
 - ۱۵- همان، ص ۱۵.
 - ۱۶- همان ص ۹۱، وی در این خصوص می‌نویسد: من در کتاب نخست نگریستم، کتابی که مأمور بودم به تأمل در آن پردازم به اندازه آگاهی از کار دریا و پادشاهان و احوال آنها و به اندازه آشنایی خود به روایاتی از ایشان که در کتاب نیامده همت گماردم.
 - ۱۷- همان، ص ۴۱.
 - ۱۸- نگاه کنید به همان، ص ۶۷ و ۷۹.
 - ۱۹- همان، ص ۱۰۹، ۱۱۵، ۱۱۹، ۱۲۵.
 - ۲۰- همان، ص ۱۲۶.
 - ۲۱- او روایاتی را که به صحت آن اطمینان ندارد نیز با کلماتی نظیر گفته‌اند (ص ۱۰۸) طبق آنچه می‌گویند (ص ۱۰۸) و... می‌آورد.
 - ۲۲- همان، ص ۶۲.
 - ۲۳- همان ص ۸۸.
 - ۲۴- همان، ص ۹۰.
 - ۲۵- همان، ص ۹۰.
 - ۲۶- همان، ص ۱۵۱.
 - ۲۷- همان، صص ۱۵۳ - ۱۷۰.
 - ۲۸- همان، ص ۱۷۱.
 - ۲۹- همان، صص ۱۵۵ - ۱۵۷.
 - ۳۰- همان، ص ۱۵۷.
 - ۳۱- همان، صص ۱۷۴ - ۱۷۵.